پیکارپامیر

2017 /7 /11

# وقایع افغانستان از2001 تا 2014 میلادی

**(بخش85)**

## سخنی در مورد حزب التحریر

گفته میشود که حزب التحریر، برای نخستین باردرسال 1953 میلادی و درجریانِ جنگِ سرد، درقلمرو اُردن و عربستانِ سعودی وقرارمعلوماتِ دقیقتر، دراورشلیم به رهبری شخصی بنام " شیخ التقی نبهانی " تأسیس گردید. شیخِ مذکور رساله یی نیز تحتِ عنوان " دولت اسلامی" به رشتهٔ تحریر درآورد و درآن، نقاطِ نظرِخود و برنامهٔ سیاسی حزب التحریر را بیان داشت. مثلاً گفت که حکومت های دموکراتیک، حکومت های ملوث و نا مسلمان اند. باید مسلمانان ازخوابِ غفلت بیدارشده برای تأسیس خلافت واحد اسلامی درسراسرجهان مبارزه نمایند. یعنی باساس عقاید و افکار" نبهانی "، باید تمام امورزنده گی فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی جامعه، تنها درحیطهٔ اختیاراتِ بی چون و چرای شخص خلیفه قرار داشته باشد. اوبرای پیروانِ خویش گفت که کلیه مسلمانانِ جهان ( بالاترازسن پانزده ) باید در جهاد علیه نا مسلمانان آماده شوند .

این حزبِ اسلامی بنیادگرا وفعالیتهای آن درکشورهای تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان، قزاقستان، ترکیه، ترکمنستان، بنگله دیش، پاکستان، (به استثنأ افغانستان (ممنون اعلام گردیده است، ولی جالب اینست که موجودیتِ همین حزبِ تکفیری عقبگرا وفعالیتِ کادرها و اعضای آن درکشورهایی مانند امریکا، آسترالیا، اندونزیا و انگلستان مانعی ندارد .روی همین دلیل عمده است که تحلیلگرانِ سیاسی، شبکه های استخباراتی امریکا، انگلستان و اسراییل را حامی این حزب افراطی می دانند .درافغانستان نیزتا همین اکنون که این سطور رقم زده میشوند، نه تنها شنیده نشده که فعالیتهای این حزب بنیادگرا ممنوع اعلام شده باشد، بلکه افراد و رهبران آن بگونهٔ علنی درمدارس، دانشگاه ها و مؤسسات دینی و غیردینی بگونهٔ بسیار ماهرانه یی فعال هستند .

چنانکه گزارشهایی وجود دارند که فعالیت های حزب التحریر درافغانستان، بخصوص درمناطقِ شمالِ این کشور را تأیید میکنند. این موضوع نیز گفته شده که اعضا و رهبرانِ حزبِ مذکور، تلاش بخرچ میدهند درچارچوبِ مؤسساتِ آموزشی مانند دانشگاه ها، پولیتخنیک ها، مدارسِ دینی و سایرِنهاد های دولتی وغیرِ دولتی، بنام های مستعار و در پوشش های مختلف به فعالیت های سیاسی، تخریبی وتبلیغاتی ادامه دهند. این موضوع نیزافشا شده است که اعضای حزب التحریر درافغانستان، مرتکبِ یک سلسله ترورهای سیاسی علیه جانِ شخصیت های موردِ نظرنیزگردیده با گروه طالبان، افرادِ سازمانِ تروریستی القاعده، احزاب و تشکلاتِ افراطی پاکستان وسایرِ کشورهای اسلامی ارتباطِ تنگاتنگِ ایدئولوژیک و حتا تشکیلاتی دارد .

به منظورآنکه موجودیت و فعالیت افراد این حزب درافغانستان، بیشتر روشن شده باشد، اینک مطلبی را که به روز یکشنبه بیست ویکم ماه قوس سال 1395خورشیدی (ماه دسامبرسال 2016م) دروبسایت رسمی " حزب همبستگی افغانستان" به نشر رسید، بدون کم وکاست دراینجا درج میکنیم :

**"این روز ها بحث افراطگرایی دینی درمراکز تحصیلی افغانسان انعکاس وسیع رسانه ای یافته است. درحدود یکصد وشصت هزارمسجد ومدرسهٔ دینی افغانستان، به شدت افکارداعشی و ارتجاعی تبلیغ شده و مضمون " ثقافت اسلامی" پوهنتونها} دانشگاه ها} هم به حربه ای بدست بنیادگرایان نوع اخوانی، سلفی، وهابی، " ولایت فقیه" و غیره بدل گشته است که از طریق آن، بصورت رسمی و بی درد سر افکار زهرآگین شان را که عامل تباهی افغانستان طی دهه های گذشته بوده است، ترویج میکنند} .ازآن جمله {من وضعیت اسفناک پوهنتون {دانشگاه {پروان را که در61 کیلومتری کابل موقعیت دارد، مختصراً بیان میدارم، کانونی که درآن، جوانانِ ما باید افکار علمی و پیشرو را فرا گیرند، به مرکز جهالت پروری و لانهٔ گروه های تروریستی بدل گشته است و دولت نه تنها جلو این وضعیت ابتر**



افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولئ

را نمیگیرد، که عملاً مقامات، خود برای گروه های سوپر مرتجع و جانی، زمینهٔ تبلیغ را مهیا میسازند. درپوهنتون پروان، یک گروه ماورای مرتجع و انسان ستیز به نام " حزب التحریر" که درواقع بازوی تئوریک داعش است، با دست باز فعالیت داشته افکار جوانان نا آگاه را مسموم میسازد. این جریان که درسال 1953م توسط شیخ تقی الدین النبهانی فلسطینی تأسیس گردید، فعلاً تحت رهبری شیخ عطا بن خلیل قرار داشته همفکر القاعده و داعش میباشد. این حزب، با آنکه رسماً دروزارت عدلیهٔ افغانستان ثبت نشده، اما دولت جلو زهر پراگنی هایش را نمی گیرد. آنان تمام جهان اسلام را " دارالکفر" نامیده خواهان برپایی خلافت اسلامی بوده ضدیت دیوانه وار با دموکراسی و هرگونه آزادی های فردی دارند. تحریری ها اصلاً افغانستان را منحیث یک کشور به رسمیت نمی شناسند و درسایت و نشریات شان آنرا " ولایهٔ افغانستان" {مربوط} خلافت موهوم شان میخوانند. آنان هرچند با ارزشهای معنوی دنیای مدرن ضدیت شدید دارند، اما جهت تبلیغات عوامفریبانه و به اصطلاح "جوان پسند"، ساختن دیدگاه های عصر حجری شان، برعکس دیگر گروه های بنیادگرا، پوشیدن پتلون، ریش تراشیدن، استفاده از موبایل و فیسبوک و حتی نمایش بعضی فلم های هالیودی ( البته با برداشت و نتیجه گیری خاص خود شان (را مجاز میدانند، چون درک کرده اند که نسل جوان را با همین شیوه ها بهتر میتوان مجاب نموده به خدمت گرفت. تعدادی از محصلان ممتاز پوهنتون تحت تأثیر تبلیغات حزب التحریر آنچنان شستشوی مغزی داده شده دگرگون شده اند که عملاً تعلیم و درس را رها نموده به تبلیغی ها بدل گشته اند. چون از دید آنان، علوم ودرس به درد نخورده فقط باید از پوهنتون بحیث مرکز جلب و جذب و تبلیغ استفاده نمود. علوم طبیعی ازنظرآنان، "مسایل دنیوی" و فاقد ارزش اند؛ هرچند " مبادی نظامی تعلیمی وتحصیلی دولت خلافت" این حزب قرون وسطایی برای فریب و نیرنگ، کسب علوم نیز مجاز دانسته شده است. تنها مضمونی که تمامی حزب التحریری ها به آن سخت علاقمند اند، " ثقافت اسلامی " است. اکثر اعضای این حزب داوطلبانه حاضر میشوند در ساعت این مضمون روی مسایل مختلف، آماده گی گرفته وعظ نمایند. شاگردان هم مجبوراند به لاطایلات آنان گوش دهند و اگرپرسش و دیدگاه مخالفی ارائه کنند، فوری تاپهٔ " کفر" و " الحاد " میخورند. به همین دلیل، کسی جرئت سخن گفتن ندارد. هرکس عضو"حزب التحریر" باشد، ازدید رهروانش، خلیفه و عقل کل شناخته میشود ودیگران را بیسواد خطاب میکنند. از نظرآنان ملا های مساجد که عضو حزب نباشند، بیسواد و نا مسلماناند. اعضای این گروه، همه چیز را میخانیکی و خشک از رهبران شان و نوشته های منتشرهٔ مراکزآن که مستقر درکشورهای عربی اند، یاد گرفته و طوطی وار به دیگران بیان میکنند تا فکرجوانان را به سیاهی بکشانند. آنان هیچ راه حل بنیادی برای مشکلات جاری کشور ندارند. مثلاً این جریان عقبگرا، مشکل اقتصادی کشور را میخواهد با جمع آوری ذکات از سرمایه داران حل کند، بی خبر ازاینکه منبع تمام مشکلات و فقر مدهش امروزی، نظام های سرمایه داری میباشند. تحریری ها به جای اولویت دادن به هزاران فاجعهٔ ای که دروطن ما با آنها دست به گریبان است، به مسایل پیش پا افتاده و جاهلانه می پردازند. مثلاً، تبلیغ میکنند که پروتین با نشایسته یکجا خورده نشود، یعنی اگر درکدام عروسی خبر هستید که معمولاً گوشت و برنج است، تنها گوشت بخورید یا برنج ! اگرلوبیا و نان خشک بود، یکی را انتخاب کنید ! آنان این را از کرامات و ژرف بینی عمیق رهبران شان میخوانند که به چه نکات علمی توجه دارند!! فعالیت مشکوک " حزب التحریر" درپروان به حدی وسیع بود که عبدالله نیز آنرا برای " جمعیت اسلامی " تهدیدی پنداشته دراوایل قوس 1394 ازنفوذ آن هشدار داد. وی آنراشاخهٔ غیرنظامی گروه های تروریستی خواند که جوانان را به اعمال هراس افگنانه ترغیب میکند. اما تاامروز اقدام در برابر این گروه منفور و تاریک اندیش صورت نگرفته است. درفکربیمار اعضای " حزب التحریر"، زن اصلاً انسان محسوب نشده و کوچکترین ارزشی به آنان قایل نیستند. ازنظرآنان ، زنانی که ازخانه بیرون شده به فکرتعلیم و آموزش میشوند، سزاوار نفرین و هرگونه برخورد شدید اند.

متأسفانه این دیدگاه ضد انسانی، در اثرتبلیغات یک چنین گروه های زن ستیز در پوهنتون پروان شیوع یافته دختران محصل، روزگار تیره ای داشته مورد بی احترامی و تحقیر قرار میگیرند. اگردخترانی درصحن پوهنتون دارای برقع نباشند و یا گوشه ای ازمو یا روی شان معلوم شود، توسط محصلان مورد آزار واذیت قرار میگیرند. درداخل پوهنتون، پسر ودخترحق سخن گفتن ندارند. در" مبادی نظامی، تعلیمی و تحصیلی دولت خلافت " منتشرهٔ " حزب التحریر" روی " عدم اختلاط شاگردان ذکور و اناث" منحیث یک اصل مهم تأکید شده است. این وضعیت باعث شده که دختران در پوهنتون، تحت فشارهای شدیدی قرار گرفته به مشکل تحصیل شانرا به پیش برند. اما همان هایی که زن را انسان نمی شمارند و بخصوص، محصلان پوهنحی {دانشکده} ثقافت اسلامی که با یک بلست { وجب} ریش و چند متر لنگی {عمامه}، خود شان را پیشوایان اسلام میدانند، وقتی چشم شان به دختری افتاد، گویی درعمرشان زن را ندیده اند، بسوی آنان به اصطلاح چهارچشمه مینگرند ! وقتی از آنان بپرسی که شما چرا به سوی


افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

**دختران می بینید، دیدن به سوی زن نا محرم وحرام است، درجواب میگویند " ما برای شان لعنت خدا را میفرستیم "..."!**

همچنان نشریهٔ انترنتی " پیام روز- سایت خبری – تحلیلی)، گزارشی را به تاریخ چهارم ماه جنوری سال 2017م از قول والی ولایت تخار افغانستان درمورد فعالیتهای "حزب التحریر" به نشر رسا نید که اینک ما، گوشه هایی از گزارش متذکره را در اینجا درج میکنیم :

**... "یاسین ضیا والی تخار اعلام کرد، گروه های وابسته به احزاب افراطی همچون حزب تحریر دردانشگاه این ولایت فعالیت داشته محصلان را ضد دولت تحریک میکنند ".**

گزارش بازهم می افزاید " : **وی فعالیت گروه های افراطی در دانشگاه های کشور را یک امرفرا گیر دانست بگونه ای که حتی برخی استادان دانشگاه ولایت نیز دیدگاه های احزاب افراطی را به محصلان آموزش میدهند و این موضوع به ولایت تخار محدود نمی شود... گفته میشود که مرکز این حزب در پاکستان است، اما عمده فعالیت آن درکشورهای آسیای مرکزی صورت میگیرد. با توجه به رفت و آمد های رهبران حزب تحریر به انگلستان، برخی از محافل و ماقامات حزبی درافغانستان، سازمان استخبارات انگلستان ( ام.آی 6) را حامی این حزب میدانند... بگونه ای میتوان این حزب را بازوی فرهنگی و علمی جریانهای سلفی و افراطی دانست که قشر تحصیل کرده را {تحت تأثیرقرارداده {است."**

هرچند تروریسم درعصرِما، همانند بلای هفت سر، هر روز بصورت اسرارآمیزی ازهرگوشه و کنارِ جهان که طعمه یی را کشف نماید، سربرمی آورَد، ولی، کانونِ اصلی و اولی آن خاکِ پاکستان، سازنده گان و حمایت گرانِ رسمی و شناخته شدهٔ آن حکومتگرانِ پاکستان به همکاری امریکا، انگلیس، اسراییل وعربستان سعودی درمنطقه بوده است .بزرگان گفته اند " **اگرمیخواهی از شرِ زنبور رهایی یابی، خانهٔ آنرا آتش بزن ".**این همان چیزی بود که همگی پس ازده سال جنگ و خونریزی و تلاش، میگفتند و می پذیرفتند. اما، امریکا درطولِ دوازده سال جنگ درافغانستان، هیچگاه درپی آتش زدنِ لانه های زنبور درخاکِ پاکستا ن نشد .

بایستی این نکته را نیز متذکر شویم که دلیل وانگیزهٔ اصلی ایجاد، پرورش و تقویتِ افراد و تشکلاتِ افراط گرای مذهبی درآسیای مرکزی رامیتوان درسالهای اشغالِ افغانستان توسط قشونِ روسی و واکنشهای سیاسی، نظامی و ایدئولوژیک ِایالات متحده و متحدانِ بین المللی آن درخاکِ افغانستان جُست و جو نمود. ریشهٔ اندیشه های تندروانهٔ اسلامی درآسیای میانه و یا در جمهوریهای مسلمان نشین شوروی سابق، ازسیاست، اقدامات و برنامه های ستراتژیک و اطلاعاتی ابرقدرتِ امریکا سیراب گردید و بخصوص، پس ازسقوط ِامپراتوری شوروی درسال 1992 میلادی، چون سرطانِ خبیثه، نه تنها پیکرِآسیای مرکزی، بلکه همهٔ آسیا و بخشهایی ازجهان را درنوردید .

**(ادامه دارد)**



افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ